

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان و ازدواج

دوره نهم، شماره دهم

دوره نهم، شماره دهم / ۳

نام جزوه: انسان و ازدواج

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

سنت الهی ازدواج.....	٥
ازدواج و فطرت.....	٨
کیفیت ازدواج.....	١١
اهمیت ازدواج.....	٢٤
ماهیت ازدواج.....	٣٠
توجه به خدا، دین و عفت در ازدواج.....	٣١
دعا قبل از ازدواج.....	٣٢
ازدواج و حفظ مقام انسانی.....	٣٧
میراث خدای.....	٤٧
ازدواج و ارضاء جنسی.....	٤٨
دنیای جدید و ازدواج.....	٦٣

دوره نهم، شماره دهم / ۵

سنت الهی ازدواج

دقت در آفرینش پدیده های هستی، ما را هم نوا با قرآن کریم، به اصل زوج آفرینی در گستره همه آفریده های خالق یکتا رهنمون می شود.

زوج آفرینی، سنت الهی نسبت به همه موجودات است و قرآن کریم در این باره فرموده است:

«و من کل شیء خلقنا زوجین»^۱.

بدین سان، ازدواج سنتی است که به شکل طبیعی آن بر پایه اصل زوج آفرینی، بر همه طبیعت حاکم است.

جریان این سنت در قلمرو و حیات گیاه و حیوان با هدف بقای نوع، کاملاً ملموس است و اندیشمندان بسیاری درباره اصل و کیفیت آن تحقیقات فراوانی را پیش روی ما نهاده اند.

انسان نیز برای ادامه نسل و برآوردن نیازهای روانی خویش، طبعاً، از تن دادن به این سنت الهی ناگزیر است. به همین دلیل، ازدواج از جایگاه ارزشی بسیار فراوانی در منظر دین به ویژه اسلام، برخوردار گشته تا بدان حد که سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)^۱ و محبوب ترین بنیاد در نزد خداوند،^۲ شمرده شده است.

۱. وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح... باب ۱، روایت ۶.

۲. وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح... باب ۱، روایت ۴.

دوره نهم، شماره دهم / ۷

ازدواج در تاریخ، شکل‌های مختلف آن در میان اقوام گذشته و حال، نگاه ادیان الهی و بررسی آن از دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی و... مسائلی هستند که سزاوار تحقیق و نگارش تفصیلی هستند.

در این مقال به شکلی فشرده و با هدف توجّه دادن به اهمیّت ازدواج، بیان اهداف آن در جامعه بشری تدوین یافته است.

در خاتمه نیز، به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت که آیا تنها راه بایسته ارضاء جنسی، ازدواج است، یا در این راستا راه دیگری هم وجود دارد؟

قبل از وارد شدن به مباحث مختلف لازم است،
به تبیین این مطلب پردازیم که آیا ازدواج بر انسان
امری تحمیل شده یا یک واقعیت فطری است؟

ازدواج و فطرت

گاهی برای نظم و انضباط دادن به امور اجتماعی،
نظام موجود و یا گروهی که عهده دار امنیت، تربیت
و سیاست جامعه هستند، با توجه به شرایط زمانی و
محیطی، مردم را به رعایت قانون از پیش تعیین شده
فرا می خوانند؛ و بعد هم به وسیله تبلیغات، شعار
الزام عملی، آن را به صورت عادت و سنت مردمی و
اجتماعی جلوه می دهند، به گونه ای که سرپیچی از
آن، گناه به شمار می آید و شخص مرتکب آن باید
مجازات شود. و زمانی، یک عمل به لحاظ پیدایش

دوره نهم، شماره دهم / ۹

طرز تفکر و فرهنگ جدید، در قلمرو رفتار جامعه ای
جای می گیرد و به تدریج جایگاه خاصش را پیدا
کرده و جزء عادات مردم می شود و به صورت سنت
در می آید.

لیکن، برخی از رسوم و سنت ها، با سرشت
انسان ها آمیخته است و از فطرت آنان ناشی
می شود.

آیا ازدواج واقعیّتی اعتباری و قراردادی دارد، یا
از رسوم وارداتی و یا امری فطری است؟
برای روشن شدن مسأله، لازم است نحوه
ارتباط ازدواج با نفس را ملاحظه کنیم.

تمایل متقابل زن و مرد به یکدیگر واقعیتی درونی و ارتباطی خاص با نفس دارد. این تمایل متقابل، دارای چند بُعد است:

الف: احساس سکونت و آرامش متقابل با توجه به تفاوت کیفیت سکونت از هر دو جانب:

ب: کشش و میل جنسی متقابل؛

ج: بقاء نسل و نوع انسان.

ابعاد سه گانه بالا باعث می شود که مرد، خواهان زندگی با زن و زن، میل به زندگی با مرد را داشته باشد، این، امری فطری و طبیعی است، هر انسانی آن را در خود می یابد و نیازی به دلیل و برهان ندارد.

دوره نهم، شماره دهم / ۱۱

هر چند ممکن است برخی از ابعاد فوق، نسبت به یکدیگر شدّت و ضعف داشته باشند.

بنابراین، اصل ازدواج یعنی پیوند متقابل زن و مرد، واقعیّتی فطری است. لیکن چگونگی ازدواج و پیوند را نمی توان دقیقاً امری فطری دانست. بل باید دید کدام مکتب و فرهنگ بهترین کیفیّت ازدواج قابل پذیرش از سوی انسان ها را ارائه داده است.

کیفیّت ازدواج

شکل ازدواج شیوه ابراز عشق دو زوج به یکدیگر و نیز نحوه انتخاب همسر، وابسته به چگونگی نظر به ابعاد سه گانه است. و نظر به ابعاد سه گانه «احساس سکونت، میل جنسی، بقاء نسل» از دو حالت کلی زیر خارج نیست:

الف: نظر به آنها با توجّه به جنبه معنوی و

خواسته های الهی انسان؛

ب: نظر به آنها همراه با نادیده گرفتن حقیقت

معنوی الهی انسان.

در نگاه اول، ازدواج صرفاً برای ارضاء غریزه

جنسی داشتن، فرزند و آرامش دو جنس نیست، بل

چنین اهدافی در طول فطرت خداجویی، فضیلت

طلبی و حقیقت خواهی و... آدمی است. در این نگاه،

ازدواج برای حفظ آرمان های انسانی و معنوی، در

راستای عمل به سنّت پیامبر(صلی الله علیه وآله

وسلم) و پاسداری از ایمان، قرار دارد. و بدین سان

مفهومی ارزشی می یابد.

دوره نهم، شماره دهم / ۱۳

از نگاه دوم، ازدواج، تنها با هدف ارضاء جنسی، آرامش روانی و با میل فرزندداری و بقاء نسل، بدون هیچ تقدّسی، صورت می پذیرد.

تفاوت این دو دیدگاه باعث می شود که کیفیت ازدواج و پیوند زناشویی متفاوت باشد. بدین گونه که اگر ازدواج، تنها بر پایه ارضاء جنسی شکل گیرد، نیاز به پیروی از احکام الهی، در شکل گیری آن، احساس نمی شود؛ در این صورت هرگونه ارتباط که به ارضاء شهوت جنسی منتهی شود، مطلوب خواهد بود و اگر فرزنددار شدن منظور باشد، بدین معنی که زن و مرد، خواهان فرزنددی مختص به خویش هستند، ناگزیر باید حریمی خاص برای ازدواج در نظر گرفت؛ تا حدّی که زن از ارتباط زناشویی با کسی جز شوهر

خویش بپرهیزد. همان گونه که اگر ازدواج تنها با هدف دست یابی به آرامش عاطفی و روانی صورت پذیرد، نیاز به این امر (اختصاص زن به همسر خویش) ملموس است. چه بسا هدف از تشکیل زندگی مشترک رسیدن به آرامش، ارضاء جنسی و دوام بخشیدن به نسل، هر سه باشد، لیکن بدون توجه به جنبه معنوی آنها، در این صورت نیز، گرچه بنای زناشویی از احکام نسبی بیشتری برخوردار خواهد شد، ولی در نهایت، آدمی پا را از مرحله حیوانی فراتر ننهاده است؛ چه این که در دنیای حیوانات نیز این اهداف (اگر چه در شکل جبری غریزی آن، کم و بیش) یافت می شود.

دوره نهم، شماره دهم / ۱۵

بسیاری از ازدواج های معمول و رایج در دنیای غرب و دیگر جوامع که نظری خالص به اهداف دنیوی دارند، این چنین است.

این نوع ازدواج ها از دیدگاه **عقل** محکوم است؛ زیرا انسان صرفاً یک حیوان شهوی و تنها دارای وجود حیوانی و نفس دنیوی نیست بل، خواسته ها و آرمان های والا و برتری دارد که باید در ارضاء غرایز و شکوفایی استعدادها مورد توجه و نظر باشد.

انسان، خواهان سکونت و آرامش در پناه زندگی است، اما سکونتی که رشد انسانی و کسب فضایل و حفظ عفت و حیاء زن و مرد را به همراه

داشته باشد و در کلامی کوتاه، شخصیت انسانی را پاس بدارد.

انسان، مایل به داشتن اولاد است، اما نه هرگونه اولادی، فرزندی که از سلامت روح و جسم و زمینه های صحیح و درست اخلاقی و انسانی برخوردار باشد؛ او، ارضاء غریزه جنسی را در شعاع حفظ کیان انسان بر پایه عفت و پیدایش سیرت انسانی می طلبد.

بنابراین، نمی توان نظر استقلالی به ابعاد سه گانه را پذیرفت و بر اساس آن به کیفیت ازدواج به هرگونه ممکن تن داد، مگر این که اصول انسان را نادیده بگیریم و یا به گفته راسل: «عفت و انگیزه عفت را ناشی از ترس جهنم و آبتنی بدانیم که

دوره نهم، شماره دهم / ۱۷

اولی با زوال مقررات خشک مذهبی و دوّمی با پیدایش وسایل جلوگیری از بارداری از میان برداشته شده است.^۱ و اینک انسان رها شده از ترس آن دو، آزادانه به هرگونه پیوند زناشویی می تواند، تن دهد. و رو به فحشاء آورد و فحشاء را به بیان راسل: «آن گونه که در «ژاپن» معمول است بپذیرد»^۲ اما با توجه به حقیقت انسان و دخالت خواسته های انسانی، نظر استقلالی به ابعاد سه گانه، همانند راسل، خارج از شؤون انسانی است و از جایگاه خاص عقلانی برخوردار نیست.

۱. زناشویی و اخلاق، ص ۸۴.

۲. زناشویی و اخلاق، ص ۱۴۶.

امروز در میان مکاتب، تنها مکتبی که به شکلی کامل بین ازدواج و بُعد انسانی هماهنگی ایجاد کرده و ازدواج را همراه با بعد معنوی آن با توجّه به اهداف سه گانه برای انسان ملاحظه می کند، اسلام است و در واقع به ازدواج کیفیت ارزشی می دهد تا سبب رشد و عظمت انسانی گردد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
«ما يمنع المؤمن ان يتخذ أهلاً لعل الله يرزقه نسمة
تنقل الارض بلا إله إلا الله»^۱

چه چیز مانع مؤمن است که همسری را برگزیند، باشد که خداوند فرزندی را به او ببخشد که زمین را با شعار «لا اله الا الله» سنگین کند.»

۱. وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح و... باب ۱، روایت ۳.

دوره نهم، شماره دهم / ۱۹

جمله: «یرزقه نسمة تثقل الارض...» توجّه

دادن به وجود نسلی صالح است تا به ندای ذاتی
وجودش که طالب رشد و کمال انسانی هست، پاسخ
دهد و جامعه و مردم را به همان رشد در گستره
وابستگی اندیشه و عمل به خدای متعال دعوت کند.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«من تزوج فقد اعطى نصف السّعادة؛ و قال: هو

اغضّ للبصر و اعفّ للفرج و اکفّ و اشرف؛^۱

کسی که ازدواج کند نصف سعادت را به

دست آورده است و نیز فرمود: ازدواج بهترین

۱. مستدرک وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱،

وسيله برای نفی نگاه شهوانی، عفت جنسی، پاکدامنی و شرافت (انسانی) است.»

حدیث فوق، ظهوری روشن دارد در این که ازدواج با توجه به مقام انسانی، وسیله ای عالی و سازنده برای حفظ و نگهداری از آلودگی های جنسی و خلاف عقل و ارزشهای انسانی الهی است.

در قرآن کریم می خوانیم:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.»^۱

و از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را آفرید تا به وسیله آنان آرام

دوره نهم، شماره دهم / ۲۱

گیرید. و در بیتان دوست (مودّه) و مهربانی (رحمت) قرار داد. به راستی در این مطلب، آیات و نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

جمله: «لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودّه» و رحمة» بیانگر سکونت و آرامش بخش بودن ازدواج است، بازگشت ضمیر خطاب به مردم (بینکم) و ضمیر غایت (الیها) به زنان، بیانگر این است که زنان، محور سکونت و آرامش هستند و این مرد است که نیازمند به آرام گرفتن در کنار همسرش می‌باشد. هر چند زن، مودّت و رحمت و مهربانی را از جانب مرد پذیرا و خواهان آن است.

این مودّت و مهربانی بین زن و مرد، سبب تثبیت و دوام یافتن زندگی زناشویی و ضامن استمرار سکونت از جانب زن می شود.

سکونت، مودّت و رحمت به دست آمده در سایه ازدواج، صرفاً جنبه اعتباری و قراردادی ندارد بل لازمه علاقه فطری زن و مرد به یکدیگر است. اگر درباره ارتباط زناشویی پس از ازدواج بیندیشیم متوجّه نحوه سکونت زن برای مرد و نوع مودّت و رحمت بین آن دو خواهیم شد.

این سکونت غریزی و شهوی نیست و یا سکونتی نیست که آقای در پرتو خادمش دارد؛ بل حکایت کننده از نوعی احساس و لطافت و درک و شعور است که نه تنها محور آرامش در محیط

دوره نهم، شماره دهم / ۲۳

خانواده بل آرامش بخش شوهر و اعضاء خانواده و عمل به وظیفه مادری است. و با تربیت صحیح فرزندان و سرشار کردن آنان از عواطف مادری، در حقیقت به جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و اخلاقی سکونت و آرامش بخشیده است.

اگر اهداف سه گانه در روند اصل ارزشمندی ازدواج منظور گردد، خداوند چنین ازدواجی را وسیله پاکی و طهارت و خشنودی خود قرار داده است.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«من أحبّ أن یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجة؛^۱

کسی که دوست دارد - به هنگام مرگ - خدا را در

۱. وسائل الشیعه، أبواب مقدمات النکاح و آدابہ، باب ۱،

حال پاکی و پاکیزگی ملاقات کند. پس باید با گزیدن همسر به ملاقات خدا رود.»

حال با توجه به این که اصل ازدواج امری فطری است و چگونگی آن، وابسته به کیفیت نگاه ما به ابعاد سه گانه است، به بررسی برخی از مسائل ازدواج می پردازیم.

اهمیت ازدواج

در نگاه احساسی و غریزی تنها به همسر گزینی، برای ازدواج جایگاه مطلوب و مناسبی که بیانگر اهمیت آن باشد؛ وجود ندارد. زیرا لذت جویی شهوانی و غریزی در آمیزش با زن، منحصر به ازدواج نیست. بل راه های بسیاری برای لذت احساس و شهوی مرد و زن وجود دارد.

دوره نهم، شماره دهم / ۲۵

«چنین دیدگاهی در دنیای معاصر، احیاناً سبب شده که به ازدواج اهمیّت ندهند و چه بسا فحشاء را به جای آن برگزینند چنان که راسل می نویسد» در ژاپن فحشاء به عنوان یک مشی خاص زندگی مورد قبول و احترام است، حتی به درخواست و پیشنهاد والدین اختیار می شود...»^۱ و نیز می نویسد: «امروزه تعداد بیشتری از زنان نه به علل اقتصادی بل به پیروی از خواهش و میل خویش مایلند در خارج از دایره زناشویی با مردهایی جز همسران خود مناسبات جنسی برقرار سازند»^۲ ولی نام این کار را فحشا نمی گذارند با این که ارضاء میل جنسی خارج از

۱. زناشویی و اخلاق، ص ۱۴۶.

۲. زناشویی و اخلاق، ص ۱۴۴.

دایره ازدواج و در ارتباط با هر فرد دلخواه، عین فحشاء است.

در نگاه غریزی و احساسی به ازدواج، به بیان راسل، وضع به اینجا می رسد؛ زمانی که زن احساس استقلال اقتصادی در زندگی اش می کند لزومی برای ازدواج نمی بیند؛ گویا تنها علت ازدواج این است که زن پناهگاه اقتصادی داشته باشد و الا تأمین لذت جنسی به صورت آزاد، مختص مسأله زناشویی نیست.

این دیدگاه از نظر عقل و اسلام محکوم است. چنین دیدگاهی علاوه بر ضربه های روانی — که احیاناً در پایان هر عمل ناهنجار پیدا می شود — تحقیر شرف و عظمت و مقام الهی انسان است.

دوره نهم، شماره دهم / ۲۷

در قلمرو زندگی انسان، هر عمل و اندیشه و نیز ارضاء هر خواسته ای باید برای انسان با توجه به بُعد انسانی معنوی او در نظر گرفته شود. نادیده گرفتن این مهم، کاستی و پستی بشر را در پی دارد که از نظر عقل قبیح و زشت است.

زنی که قبول کرده هر لحظه و ساعتی در معرض نگاه های شهوانی و تماس های نامطلوب باشد، در واقع خود را به هوس زودگذر خویش و دیگران فروخته است. و به این وسیله از دید عقلی و انسانی در پائین ترین درجه پستی قرار گرفته است؛ زیرا گوهر گرانبهای انسانی خود را قربانی کرده است. و مردی که حاضر شده خارج از دایره ازدواج ارضاء شهوت کند، غیرت و شرف انسانی را به هیچ

گرفته است. به همین جهت، چنین مرد و زنی مورد نفرت خدای متعال قرار گرفته و رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) او را از برادران شیطان خوانده است.

خداوند به مرد زن نما و زن مردنما و مردی که از زن (ازدواج) کناره گیرد، لعنت فرستاد و فرشتگان آمین گفتند؛ زیرا این روش (ترک ازدواج) پس از حضرت یحیی(علیه السلام) منسوخ شد.^۱

«عکاف، گفت: خدمت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدم؛ فرمود: عکاف، زن داری؟ گفتم نه؛ فرمود: در این باره، مشکلی داری؟ گفتم: خیر؛

۱ . مستدرک وسایل الشیعه، ابواب المقدمات النکاح، باب ۲،

دوره نهم، شماره دهم / ۲۹

فرمود: تو که سالم و توانگری - گفتم: آری بحمدالله؛
فرمود: در این صورت تو از برادران شیطانی، یا باید
از راهبان مسیحی باشی یا - اگر مسلمانی - مثل همه
مسلمانان رفتار کنی. زن گرفتن از سنت های ما
است؛ بدترین فرد شما بی زنان (عزب ها) هستند،
بدترین مردگان، اموات عزبند...؟ و ای بر تو ای
عکاف، زن بگیر، که خطاکاری. گفتم: یا رسول الله،
پیش از آن که از جای خود برخیزم، مرا زن بده؛
فرمودند: «کریمه» دختر کلثوم حمیری را به ازدواج
تو در آوردم.»^۱

ماهیت ازدواج

از دیدگاه حسّی و شهوی به ازدواج نگرستن، جهل و ناآگاهی به حقیقت و ماهیت ازدواج است که هر چند اندک به توضیح آن اشاره می‌کنیم.

ازدواج در نگاه فطرت ماهیتی انسانی دارد. و همین انسان بودن آن سبب شده است تا در دایره ضوابط و قوانین عقلانی دینی، قرار گیرد. نادیده گرفتن بُعد انسانی و دخالت ندادن آن در امر ازدواج، آثار منفی روحی و اخلاقی و احیاناً جسمانی را به همراه دارد. شاید در علوم تجربی به برخی آثار آن اشاره شده باشد، ولی وحی به طور کامل از آن سخن گفته و برای نفی مفسد و آثار منفی و مصالح فرد و جامعه به بیان احکام و دستورات تربیتی و اخلاقی

دوره نهم، شماره دهم / ۳۱

ازدواج پرداخته که در قرآن و کتب روایی درج شده و بیانگر اهمیّت و شناخت ماهیّت ازدواج است؛ که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

توجّه به خدا، دین و عفت در ازدواج

از حضرت امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: «زمانی که مرد، زن را برای زیبایی یا مالش به همسری خود در آورد، از او بهره (انسانی و معنوی) نگیرد به همان مال و جمال وا گذاشته می‌شود و چنانچه تزویج با او به دلیل دینداریش باشد، خداوند مال و جمال برای او روزی کند.»^۱

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی فرمود از ازدواجی که برای غیر خدا و حفظ عفت

۱. وسایل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۴، حدیث ۱.

باشد و از ازدواجی که به منظور خودنمایی و تظاهر باشد نیز، منع کرد.^۱

دعا قبل از ازدواج

«امام صادق(علیه السلام) از ابوبصیر سؤال فرمود: زمانی که فردی از شما ازدواج کند به چه کیفیتی آن را برگذار می کند؟ ابوبصیر در پاسخ گفت: نمی دانم. امام(علیه السلام) فرمودند: آنگاه که کسی تصمیم بر ازدواج گرفت دو رکعت نماز به جای آورد و خدای عزّو جل را حمد و ستایش کند و در دعای خویش بگوید: خدایا تصمیم بر ازدواج گرفته ام، پس برایم همسری مقدرّ فرما که از حیث اندام و اخلاق نیکوترین و از حیث پاکدامنی در نگهداری محل

۱. مستدرک الوسائل، مقدمات النکاح، باب ۱۳، روایت ۱.

دوره نهم، شماره دهم / ۳۳

عمل جنسی از حرام با عفت ترین زنان و بهترین کسی باشد که خودش را و ثروتم را برای من حفظ می کند و از جهت فراخی روزی و خیر و برکت بهترین و بالاترین زنان باشد و از او برایم فرزندی پاک که جانشینی صالح در زندگی و بعد از مرگم باشد مقدر فرما...»^۱

*جلوگیری از برخی ازدواجها

«با زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید... اگر چه (زیبایی، ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی در آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک مادامی که ایمان نیاورده اند، در نیاورید... اگر

۱. بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۳ و وسائل الشیعه مقدمات النکاح باب ۵۳، حدیث ۱.

چه (مال، موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی در آورد...»^۱

«... فانكحوا ما طاب لكم من النساء...»^۲

پس با زنانی پاک که شایسته شمايند،

ازدواج کنید.»

موارد فوق و بسیاری از موارد بیان شده در قرآن و کتاب های روایی و کتب فقهی، بیانگر ماهیت انسانی و معنوی ازدواج است. و بیرون بردن ازدواج از دایره ارزشی آن، ظلم و ستمی بزرگ بر انسان و جامعه بشری است، که قابل بخشش نیست. زیرا باعث آلودگی نسل، تحقیر مقام انسانی، نابودی عفت،

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۱.

۲. سوره نساء، آیه ۳.

دوره نهم، شماره دهم / ۳۵

حیا، عزّت و ارزش های انسانی می شود. و آنان که با نگاه حسّی و شهوانی به ازدواج نگریسته و ازدواج را خارج از بُعد انسانی اش ترویج می کنند، چگونه تاوان رخت بر بستن شرف و کرامت از جامعه بشری را خواهند پرداخت؟

با توجّه به ماهیّت انسانی ازدواج است که قرآن کسانی را که قادر به ارضاء غریزه، و داشتن فرزند و سکونت و آرامش با حفظ کیفیت انسانی و معنوی آن نیستند، دعوت کرده که به عفاف و پاکدامنی روی آورند و بر خدای بزرگ توکل کنند و آلوده به اعمال منافی عفت نشوند: «و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتّی یُغنیهم الله من فضله...!»^۱

آنان که استطاعت زناشویی ندارند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از فضل و کرم خویش توانگرشان گرداند.»

نکته ای که از جمله «و لیستعفف الذین...» استفاده می شود این است که اطفاء شهوت جنسی بیرون از دایره نکاح و ازدواج از دست دادن فضیلت است که به بیان بلند امیر مؤمنان (علیه السلام) اساس و پایه هر خیر و فضیلتی است، و آن مقام عَفَّتْ است: «الْعَفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ»^۱ عَفَّتْ (بازداشتن خود از آنچه حلال نیست) سر و اساس هر خیری است.

وجود عَفَّتْ در نفس بهترین عامل صیانت نفس و عالی ترین مانع از غلتیدن در پستی هاست.

دوره نهم، شماره دهم / ۳۷

«العَفَافُ يَصُونَ النَّفْسَ وَ يَنْزَهُهَا عَنِ الدُّنْيَا!»

عَفَّتْ، نفس را از - حرام و گناه - پاس می دارد و
آن را از پستی ها پاک می کند.»

باز تأکید می کنیم: مجموع آیات و روایات
پیرامون ازدواج، گواه روشن بر نظر ارزشی اسلام به
ازدواج و اهمیّت و نقش آن در احیاء عفاف و حیاء،
به ویژه دین داری و حفظ شرف و عظمت و مقام
انسانی در نسل بشر است.

ازدواج و حفظ مقام انسانی

ازدواج هر چند آرزوی انسان را در بقاء نسل و
فرزنددار شدن و نیز اطفاء شهوت، برآورده می کند،
لیکن هیچ کدام از موارد یاد شده نباید هدف نهایی

ازدواج باشد زیرا خواسته های برشمرده، مشترک بین انسان و حیوان است.

غرض اصلی در ازدواج، بقاء نسل و وجود فرزندانی است که از روح قوی انسانی و زمینه های فضیلت برخوردار باشند.

«یگانه عامل ازدواج وجود نسل و تربیت اولاد است. و اما خاموش کردن آتش شهوت و یا شرکت در کارهای حیاتی دیگر چون کسب و جمع مال و تدبیر خوردن و آشامیدن و اثاث منزل و اداره خانه... خارج از غرض طبیعت و آفرینش بوده و اموری مقدّمی و یا فوایدی است که بر آن مترتب می شود.»^۱

دوره نهم، شماره دهم / ۳۹

برای این که ازدواج در نسل حاضر و نسل های بعدی وسیله ای سالم برای حفظ ارزش های انسانی الهی و سبب پیدایش و زمینه های سالم تکوینی در بُعد جسمانی و روحی باشد؛ باید به شرایط انسانی آن (که عقل و دین بیانگر آن هست) توجه کامل شود.

رعایت مسایل اخلاقی و عمل به احکام و آداب اسلامی در انتخاب همسر از ناحیه مرد و زن و توجه به آداب زناشویی از حیث زمان و مکان و جهات دیگر و مهم شمردن تغذیه حلال و پاک، اثر کاملا مثبت در زمینه های اخلاقی و تربیتی به صورت تکوینی می گذارد. و مراتب جسمانی و حیوانی نفس

انسان را برای پذیرش روح انسانی و استعدادهای معنوی آماده تر می سازد.

هر اندازه پیوند دو همسر از شرایط انسانی و اخلاقی بیشتری برخوردار باشد و ارتباط آنان در جهت تولید مثل داشتن فرزند، همراه با رعایت آداب و حسن خلق و همسو با شأن آدمی باشد، فرزند برای پذیرش صفات برجسته اخلاقی و گرایش های معنوی و شکوفایی فطرت آماده تر است.

آنگاه که به برکت ازدواج سالم و با توجه به تمام جزئیات اسلامی آن - در دایره دین و عقل - خداوند فرزندی را به پدر و مادر صالح ببخشد، وظیفه پدر و مادر در مواظبت از کودک در ابعاد مختلف جسمی، روحی و تربیتی شروع می شود. تا

دوره نهم، شماره دهم / ۴۱

زمانی که این گل به ثمر بنشیند و فطرت های پاک و فضیلت پذیری او ظهور فعلی یابد.

به هر حال، ازدواج آنگاه که به عنوان امری فطری، سیر طبیعی خود را طی کند، به هدف پدید آمدن فرزند صالح و حفظ مقام انسانی در نسل حاضر و آینده دست یافته است و گرنه ازدواج سیر فطری خود را نیپیموده است.

علامه بزرگوار طباطبایی (ره) در این باره، چه زیبا فرمود: «آزادی و بی قیدی زن و شوهر و جمع شدن هر یک از آنان با بیگانه، هر کجا و هر وقت که بخواهد... همان گونه که هم اکنون برای ملت های متمدن یک عادت جاری شده است - و زنا خصوصاً زنانی محصنه که سخت در بین آنان

شایع شده و نیز تثبیت هرگونه ازدواج، تحریم قانونی و جدایی طرفین و رها نمودن شوهر و اتخاذ همسر دیگر... و همچنین نادیده گرفتن مسأله فرزندداری، وظیفه تربیت فرزند و پی ریزی نکاح بر اساس اشتراک در زندگانی خانوادگی - آن گونه که امروز در بین ملت های به اصطلاح، پیشرفته جهان متداول است - و از خود دور کردن فرزندان و فرستادن آنان به مؤسسات عمومی (چون شیرخوارگاه ها و کودکانستان ها) اینها همه بر خلاف سنت فطرت است. و اصولاً، انسان از نظر خلقت به نحوی سرشته شده که این روش های تازه و نو که اساس معنویت الهی انسان را بر باد می دهد با فطرتش سازگار نیست؛ البته حیواناتی

دوره نهم، شماره دهم / ۴۳

که در تولد و پرورش یافتن، به بیش از بارداری مادر، شیردادن و پرورش در پرتو همراه بودن مادر، احتیاجی ندارند، به طور طبیعی ضرورتی هم به ازدواج و مراقبتهای ویژه ندارند. در نتیجه، این نوع حیوان ها به مقداری که با حفظ نسل - که از اهداف طبیعت است - منافاتی نداشته باشد. در اعمال جنسی آزادند.»^۱

ازدواجهایی که همراه با آداب معنوی و رعایت فضایل اخلاقی و خواسته های فطری نیست و صرفاً برای اغراض حیوانی صورت می گیرد، به غرض عالی ازدواج که دست یابی به نسل پاک است نمی رسد.

بنابراین، نسل پاک را باید در دایره ازدواج با رعایت احکام شرعی، آداب معنوی و مسائل اخلاقی انتظار داشته باشیم. و مرد و زن در تمام مراحل زندگی باید توجّه به غرض اصلی ازدواج (وجود ذریّه طیّب) داشته باشند.

به بیان قرآن مجید: حضرت زکریا(علیه السلام) در هنگام طلب فرزند، به خدای متعال عرض می کند:

«... رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً انك
سمیع الدُّعَا؛^۱ پروردگارا، از جانب خودت به من
فرزندی پاک عطا فرما...»

دوره نهم، شماره دهم / ۴۵

فرشتگان او را به وجود حضرت یحیی(علیه السلام) که تصدیق کننده کلمه خدا بود، بشارت دادند.^۱

امام سجاد(علیه السلام) به برخی از اصحابشان این دُعا را به هنگام طلب فرزند آموختند: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي وَلِيًّا مِنْ لَدُنْكَ يَرِثْنِي فِي حَيَاتِي وَ يَسْتَغْفِرْ لِي بَعْدَ وَفَاتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرْكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ سَبْعِينَ مَرَّةً...»^۲

۱ . سوره آل عمران، آیات ۳۹ - ۳۸.

۲ . بحار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، روایت ۴۵، طبع ایران.

جمله: «و اجعله خلقا سويا و لاتجعل للشيطان فيه نصيباً» گواه بارزی است برای این که باید در ازدواج طالب فرزندی باشیم که در مراتب حیوانی و جسمانی، سالم باشد و نیز از جهت معنوی، زمینه ای برای نفوذ و سوسه های شیطانی در او وجود نداشته باشد. به بیان بلند رسول گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) چه چیز مانع مؤمن است که همسری را برگزیند، باشد که خداوند فرزندی را به او ببخشد که زمین را با شعار «لا اله الا الله» سنگین کند.^۱

دوره نهم، شماره دهم / ۴۷

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«میراث الله عزّ و جلّ من عبده المؤمن ولد یعبده
من بعده؛^۱

میراث خدای

عزّوجلّ از بنده مؤمنش فرزندی است که بعد از او
خدا را پرستش کند.»

چقدر به جاست که جوانان قبل از تشکیل
خانواده، به آداب صحیح ازدواج و ابعاد مختلف آن
آشنا شوند و معرفت واقعی نسبت به غرض اصلی آن
پیدا کنند، شکی نیست که همین شناخت، بسیاری از
مشکلات در ارتباط با زناشویی را حل خواهد کرد.

۱. بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۱، روایت ۸۵، طبع ایران.

ازدواج و ارضاء جنسی

نگاه انسانی به ازدواج و توجّه به غرض اصلی آن
مغایرتی با اطفاء شهوت جنسی ندارد. زن و شوهر به
طور طبیعی، خواهان ارضاء غریزه جنسی هستند؛
بنابراین، حق طبیعی آنان است که از یکدیگر لذّت
جنسی ببرند. به همین جهت، ممنوعیت در لذّت
شهوانی بین زن و شوهر وجود ندارد؛ مگر آنجا که
سبب ضرر و فساد جسمی و روحی و آبرویی شود و
یا ارتباط بین آنان شرعاً حرام و دون شأن معنوی
انسان باشد.

حکم اولی شرع مقدّس، آزادی هر نوع
بهره‌وری جنسی متقابل زن و شوهر از یکدیگر
است. تنها آنچه این حکم اولی را مهار و محصور

دوره نهم، شماره دهم / ۴۹

می کند، این قاعده است که اسلام راضی به ضرر، خسران و زیان دینی و بدنی و آبرویی و روحی نیست. زیرا عزّت، شرف، انسانیت و آبرو حتی بُعد جسمانی او، نباید قربانی لذّات جنسی شود، و اسلام به آن راضی نیست.

«زنی به محضر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و عرض کرد یا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: ... نباید روزه بگیرد (یعنی مستحبی) جز به اذن شوهرش و نباید از خانه اش بیرون رود مگر به اذن و اجازه شوهرش و بر زن است که خود را با بهترین بوی خوش برای شوهرش معطر کند و نیکوترین لباس را برای او بپوشد و به زیباترین وجه

خود را برای شوهری بیاراید و هر صبح و شام خود را بر شوهرش عرضه نماید و بیش از اینها است حق شوهر بر زن.»^۱

«اسحاق بن عمار گفت: از امام صادق (علیه السلام) راجع به مردی سؤال کردم که با همسرش در حال سفر است، و با این که آبی برای غسل نیست آیا با زنش همبستر شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند: دوست ندارم که این عمل را مرتکب شود، مگر این که بر خودش بترسد که به حرام بیفتد اسحاق گفت: از این عمل، لذت جنسی را طلب می کند یا بدان جهت است که میل شدید شهوی به زن پیدا کرده است. حضرت فرمود: میل شهوی شدید او به زن،

۱. وسائل الشیعه، آداب مقدمات نکاح، باب ۷۹، روایت ۲.

دوره نهم، شماره دهم / ۵۱

ضرورت را برای او پیش آورده است. گفتم: از این میل شهوی شدید لذت را طلب می کند؛ فرمودند: — این لذت و تمتع از همسرش — بر او حلال است. گفتم: روایت می کنند که اباذر این مطالب را از نبی گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال کرد، آن بزرگوار فرمودند: از همسر لذت شهوانی ببر، پاداش بگیر.

ابوذر با تعجب سؤال کرد که این عمل دارای پاداش است؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در پاسخ فرمودند: همان گونه که اگر به لذت و تمتع حرام روی آوری از آن وزر و وبال می بری، همچنین زمانی که به حلال روی آوری، پاداش می گیری پس امام صادق (علیه السلام) پس از شنیدن مطب اسحاق

بن عمّار، فرمود: آیا نمی‌نگری زمانی که (شهوة شدید جنسی به او روی آورد) اگر بر نفسش بترسد (که به حرام افتد) پس روی به حلال آورد (و خود را از حرام دور نگهدارد) پاداش خیر به او داده می‌شود؟^۱

این روایت، آشکارا دلالت بر جواز تمتع شهوانی از همسر دارد، هر چند شخص آبی برای غسل، نداشته باشد و بخواهد به جای غسل، تیمم بگیرد. گرچه صورتی را که فرد خوفی بر نفس از به حرام افتادن ندارد و ضرورتی نمی‌بیند، امام(علیه السلام) از آن به: «ما أحبُّ ان یفعل» تعبیر می‌کند که بر کراهت حمل می‌شود. و این هم کراهتی

۱. وسائل الشیعه، ابواب مقدمات، نکاح، باب ۵۰، روایت ۱.

دوره نهم، شماره دهم / ۵۳

نیست که احیاناً خشم و عدم رضایت خدا را در پی داشته باشد، بل معنایش این است که اگر ضرورتی ندارد، مرتکب نشود تا مجبور به تیمّم نگردد و نماز و عبادتش را به وضو به جا آورد. لیکن در صورت ضرورت چنین کراهتی هم وجود ندارد. هر چند به جهت نبودن آب مجبور به تیمّم برای اقامه نماز شود. در روایت اگر چه تعبیر **رجل** دارد که شامل مرد می شود ولکن حکم شرعی اختصاص به مرد ندارد، بل شامل هر مکلف از مرد و زن می شود.

«روز جمعه ای بود، رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از مردی از اصحابشان سؤال کردند؟ آیا امروز را روزه گرفته ای؟ گفت: خیر؛ سؤال کردند: آیا چیزی به عنوان صدقه داده ای؟ عرض کرد؟ نه، به او

فرمودند: برخیز به نزد همسرت برو که آمیزش با
وی، از جانب تو صدقه ای بر همسر توست.^۱
کام جویی جنسی باید از دو جانب زن و
شوهر، (هر دو) باشد؛ به همین جهت، اگر زن در
ابتداء میل نداشته باشد، باید او را با ملاحظه بر این
کار راغب کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
سه چیز از بی‌وفایی و بی‌مهری است... این که مرد
با زنش آمیزش کند قبل از آن که با او بازی و شوخی
کند.^۲

۱ . وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح باب ۴۹، روایت ۴.

۲ . وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح، باب ۵۷، روایت ۳.

دوره نهم، شماره دهم / ۵۵

آن حضرت، «ملاعبه و بازی با زن را کار حق
شمرده نه باطل و از جمله کارهای خیری دانسته
است که فرشتگان به آن راضی هستند و در آنجا
حاضر می شوند».^۱

ازدواج موقت و ارضاء جنسی

انسان تشنه شهوت، تنها با آرزو قادر به خویشتن
داری و ماندن در دایره عقل و دین نیست. مگر
عزت، شرف، انسانیت، شخصیت و ایمان به آخرت و
بهشت و دوزخ او را از فساد و شقاوت نگهدارد.

در میان انسانها، چند نفر به این درجه و مقام
می رسند؟ همان گونه که در میان مردم نفراتی خاص
می توانند گرسنه بمانند و از راه های غیر قانونی

۱. وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح، باب ۵۷، روایت ۱ و ۲.

اقدامی نکنند به خصوص اگر نگاهشان به غذاهای رنگارنگ و لذیذ باز شود؛ و بزاقها به ترشح بیشتر بپردازند.

بنابراین، برای این افراد گرسنه که امکانات لازم را برای رفع گرسنگی ندارند و امکان آن هست که به جهت ضعف ایمانی دست به خلاف کاری «نعوذ بالله» بزنند، باید راهی جست. اداره سازمان تأمین اجتماعی، کمیته های امداد، و مراکز خیریه و... برای حلّ این معضل به وجود آمده اند.

برای شخصی که تشنه و گرسنه اطفاء شهوت جنسی است، و در آمد لازم و یا کافی را به مقتضای زمانش برای تشکیل خانواده و گرفتن زن دائم ندارد، چه برنامه ای وجود دارد؟ و یا برای خانمی که به

دوره نهم، شماره دهم / ۵۷

عللی موفق به ازدواج نشده و یا در ایام جوانی شوهرش را از دست داده است و زمینه برای ازدواج دائم او آماده نیست چه طرحی وجود دارد؟ یا باید این مردان و زنان را که شمار آنان، بسیار است، به حال خودشان رها کنیم، و شاهد بی بندباری و اعمال منافی عفت در پنهان و آشکار باشیم و در مقابل آلودگی شهوانی کوچه، بازار، مجامع عمومی، محیط های اداری و آموزشی و... بی تفاوت بگذریم؛ یا با ارائه طرحی، زمینه مساعد ارضاء غریزه جنسی آنان، فراهم گردد، تا تشنگان در این وادی — از زن و مرد — به سیرابی نسبی برسند. و در پرتو آن طرح، عفت و مقام انسانی حفظ شود.

شکی نیست که راه اوّل و رها گذاشتن افراد با آیه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى^۱ تنافی دارد. وجدان های پاک به ویژه دین نمی تواند از کنار این مشکل اساسی، بی تفاوت بگذرد.

اشخاصی که گزینه جنسی، آنان را بستوه آورده و اندیشه و مسایل زندگی آنان را متوجّه خویش ساخته است، خواه مرد یا زن، جز به اطفاء شهوت نمی اندیشند و چنانچه راه مشروع، جلوی او گذارده نشود، یا به بیماری جسمانی و روحی دچار خواهد گشت و یا با اقدامی ناشایست، بر مقام انسانی خویش ضربه ای وارد خواهد ساخت.

دوره نهم، شماره دهم / ۵۹

تنها راه مشروع و مورد پسند شرع و عقل، ازدواج موقت است؛ که در پرتو آن، زن و مرد با توجه به ضوابط شرعی، پیمان ازدواج موقت ببندند، و با بهره مندی شهوانی و لذت جنسی مشروع از یکدیگر، پس از پایان یافتن زمان عقد، جدا شوند.

از آنجا که در ازدواج موقت، بیشتر اطفال شهوت مطرح است تا بقاء نسل و سکونت مرد در پناه زن، اسلام به تمتع بردن از زنان اهل کتاب به نحو ازدواج موقت اجازه داده است. حتی با زنی که معروف به فجور است، تمتع شهوانی به نحو ازدواج موقت به شرط رعایت ضوابط و احکام شرعی، جایز است. البته بهتر و رعایت استحباب در این است که با

زن پاکدامن، و با ایمان پیوند زناشویی موقت را
ببندند.

در روایات بسیاری که وقتی از حلال بودن
ازدواج موقت (متعّه) از ائمه اطهار (علیهم السلام)
سؤال می شود، به قرآن و سنت رسول خدا (صلی الله
علیه وآله وسلم) استدلال می کنند.^۱

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ ابو بصیر و امام
صادق (علیه السلام) در پاسخ ابوحنیفه به قسمتی از
آیه ۲۴ سوره نساء استدلال فرمودند:

«... فما استمتعتم به فاتوهنَّ أجورهنَّ فريضةً...»^۲

۱. وسائل الشیعه، ابواب المتعه باب ۱، روایت ۵.

۲. وسائل الشیعه، ابواب المتعه باب ۱، روایت ۱ و ۶.

دوره نهم، شماره دهم / ۶۱

زنانی را که به ازدواج (موقت و زماندار) در
می آورید، مهر آنان را به عنوان یک واجب باید
پردازید...»

عبدالله عمر (عمیر) لیشی به محضر امام
باقر(علیه السلام) آمد، و عرض کرد: درباره متعه نساء
(ازدواج زماندار) چه می فرمائید؟ آن حضرت(علیه
السلام) فرمودند:

«أحلها الله في كتابه و على سنة نبيه، فهي حلال
إلى يوم القيامة...»^۱

خداوند آن را در کتاب خود و بر پایه سنت
پیامبرش(صلی الله علیه وآله وسلم) حلال فرموده
است؛ و بدین سان، تا روز قیامت حلال است.»

۱. وسائل الشیعه، ابواب المتعه، باب ۱، روایت ۴.

چنانچه زن و مردی که ازدواج زماندار را پذیرفته اند، می توانند دارای فرزند باشند و فرزند آنان از تمام حقوقی برخوردارند که فرزندان در ازدواج دائم دارا هستند.

در این مجال کوتاه، قادر به توسعه بحث نیستیم، تنها به این مطلب اکتفاء می کنیم، که: اگر ازدواج زماندار با توجه به ضوابط شرعی آن از حیث احکام و اخلاق در اجتماع پیاده شود، به بیان مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) «جز افراد شقی کسی مبتلا به زنا و عمل منافی عفت نمی شود.»^۱

دوره نهم، شماره دهم / ۶۳

دنیای جدید و ازدواج

در خاتمه، این سؤال را مطرح می‌کنیم که دنیای رشد یافته در بُعد علم و صنعت چه راهی را برای ارضاء غریزه جنسی پیشنهاد می‌کند؟ آیا در این راه پیشنهادی برای حفظ حیثیت انسانی و عزت معنوی انسان فکری شده است؟

پرداختن به نظریات در این مقال مشکل است، اما آنچه در دنیای موجود، واقعیت عملی دارد، وجود فحشاء و آزادی ارضاء شهوانی از هر راه ممکن است.

البته در برخی از جوامع، به صورت باز و در بعضی دیگر، به صورت محدود و بسته، است و نمود ظاهری ندارد.

برای دنیای جدید، محرم و نامحرم و عفت و غیرت ناموسی، معنا و مفهومی ندارد. و آنان که این مسائل را محترم می‌شمارند، به گمان شیفتگان تمدن صنعتی، بسته فکر می‌کنند و آزاداندیش نیستند. اینان بی‌بندباری را صحیح می‌شمرند، و آن را خلاف آبرو و حیثیت انسانی زن و مرد نمی‌دانند. اما موقعی که ازدواج (زماندار) با توجه به احکام خاص فقهی و اخلاقی آن مطرح می‌شود، آن را خلاف شأن زن می‌دانند. مزد فاحشه‌گری را مشروع می‌شمارند و اما مهر در ازدواج زماندار را نوعی اجاره زن تلقی می‌کنند. خودفروشی را آزادمنشی دانسته و اما در دایره عفاف و رابطه صحیح زناشویی حرکت کردن را انحرافی می‌شمارند. با برنامه خاص تبلیغاتی،

دوره نهم، شماره دهم / ۶۵

می توان بهترین قانون و حکم را با برچسب ها و سخنان نامربوط و تنفر برانگیز، زشت جلوه داده و زشت ترین عمل را در کلمات زیبا به عنوان بهترین قانون در میان مردم جا انداخت. در اینجا تنها انسانهای دور اندیشند که به واقعیت مطلب پی می برند و گول اصطلاح ها و تبلیغات فریبنده را نمی خورند. اما افراد سبک سر به خصوص آنانی که در پی خواسته های خلاف عقل و دیانت هستند، بدون تأمل، تسلیم می شوند.

با همین برنامه خاص، دنیای غرب به نام آزادی، عمل خلاف عفت را در حضور مردم جایز شمرده و رقص زن و مرد را در مجالس عمومی، مجالس عیاشی و کنار دریا، به نام آزادی ترویج کرده

و با ترفندهای خاص، این روش، در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نیز، جا افتاد و سخن از محرم و نامحرم، عفت و ازدواج (زماندار) را سخن از اسارت زن و تزییع حقوق او دانست.

آیا دنیای رشد یافته در علم و صنعت، راه حلی برای پایان یافتن فساد شهوانی و اخلاقی ارائه داده است؟ خوب ملاحظه کنید، عمل و آمار در دنیا چه می گویند؟

پایان